**انترناسیونال** ۵۶۱

**یادداشتهای هفته**

**حمید تقوایی**

**با آلودگی قومی- ملی نمیشود به جنگ آلودگی محیط زیست رفت!**

به گزارش خبرگزاریها روزهای دوشنبه و سه شنبه این هفته ده ها نفر از "فعالان محیط زیست" در شهرهای ارومیه و تبریز بدلیل "اعتراض به بی توجهی مسئولان به خشک شدن دریاچه ارومیه" بازداشت شدند. در گزارش آمده است که این دستگیریها در پی فراخوان به تجمعات اعتراضی در شهرهای مختلف آذربایجان صورت میگیرد. برخی از این فعالین قبلا نیز بارها از سوی ماموران امنیتی بازداشت شده اند."

خود این خبر حاکی از وجود یک جنبش فعال علیه آلودگی و تخریب محیط زیست در ایران است. جنبش نوپا و برحقی که امر خود را مبارزه حول یکی از مسائل حاد و مبرم مردم ایران قرار داده است.

مساله آلودگی محیط زیست یک مساله جهانی است اما در ایران خود دولت مسئول مستقیم آلودگی و تخریب محیط زیست است. بحث صرفا بر سر بی توجهی و بی مبالاتی مسئولین و مقامات نیست بلکه محیط زیست اساسا امر و مشغله جمهوری اسلامی نیست. تخریب و آلوده کردن محیط زیست یک نتیجه مستقیم غارت منابع طبیعی و ثروت اندوزی باندهای مختلف مافیائی در حکومت است که امری بجز پرکردن جیبهای گشادشان ندارند.

آلودگی و تخریب محیط زیست تنها به شهرهای آذربایجان و یا خوزستان محدود نمیشود. نیروهای ناسیونالیست تلاش میکنند مساله را در قالب اعمال ستم و تبعیض از جانب "فارسها علیه ملیتهای دیگر" قلمداد کنند. اما با این آلودگی قومی- ملی نمیشود به جنگ آلودگی محیط زیست رفت. مردم تهران و اصفهان و مشهد و شیراز همانقدر از آلودگی آب و هوا در رنجند که مردم تبریز و ارومیه و اهواز و آبادان. جمهوری اسلامی در سرکوب و چپاول، فارس و ترک و عرب نمی شناسد. راه خلاص شدن از شر این حکومت نیز اتحاد و همدلی و مبارزه متحد و همبسته مردم همه شهرها در سراسر ایران است.

مبارزه علیه جمهوری اسلامی بعنوان عامل خشک شدن دریاچه ارومیه، و خواست آزادی فوری دستگیر شدگان در تبریز و ارومیه، امر همه فعالین محیط زیست و همه نیروهای آزادیخواه در ایران است.

**پیشرویهای داعش در عراق: چهره تازه توحش اسلامی!**

پیشرویهای نیروی تروریستی و فوق ارتجاعی داعش در عراق نتیجه مستقیم سیاستهای غرب در منطقه و فضائی است که ورشکستگی و نافرجامی این سیاستها برای عرض اندام و یکه تازی نیروهای اسلامی ایجاد کرده است. اما نیروهای اسلامی از نوع جدید و متفاوت از اسلام ضد آمریکائی در دوره جنگ تروریستها.

داعش یک نیروی اسلامی مزدور نوع کنترا و یک محصول دنیای پس از جنگ تروریستها است. ظاهر و ظرف بروز مساله اینجا نه چالش اسلام سیاسی و غرب، آنطور که بعد از یازده سپتامبر در تقابل بین میلیتاریسم نئوکنسرواتیستی آمریکا و اسلام ضد آمریکائی نوع القاعده- طالبان- جمهوری اسلامی شاهد بودیم، بلکه تقابل بین دو شاخه سنی و شیعه اسلام سیاسی است. میلیتاریسم نئوکنسرواتیستی مدتهاست به پشت صحنه رانده شده و جای خود را به استراتژی "مشتهای باز" اوباما داده است. اسلام سیاسی ضد آمریکائی هم اساسا به علت انقلابات بهار عربی موقعیت خود را در منطقه از دست داده است. وضعیت به هم ریخته امروز محور حماس - جمهوری اسلامی - سوریه- حزب الله شاخص گویائی از این به عقب رانده شدن اسلام سیاسی است. این شرایط باعث شده است تا نوع جدیدی از تروریسم اسلامی نظیر داعش ظهور کند که امرش دیگر نه "مرگ بر شیطان بزرگ" بلکه درگیری با شاخه های دیگر اسلامی بر سر کنترل منطقه است. نوعی از اسلام سیاسی که بعنوان ابزاری در رقابت برای بسط نفوذ "دولتهای اسلامی" در منطقه بکار گرفته میشود. فضای این رقابت و ظهور مدعیان رنگارنگ برای آقائی در منطقه را نافرجامی سیاستهای میلیتاریستی غرب، به گل نشستن ماشین نظامی اش و نهایتا به هم ریختن توازن قوای سنتی در خاورمیانه ایجاد کرده است. نیروهائی شبیه داعش در واقع پس مانده های اسلام سیاسی ضد آمریکائی در دوره جنگ تروریستها هستند که در شرایط پسا بوشیسم - پسا بهار عربی، کاربرد تازه ای یافته اند.

در سوریه با درهم کوبیده شدن انقلاب مردم توسط محور اسد- جمهوری اسلامی- روسیه میدان برای عرض اندام این نیروها باز شد. هم در کنار اسد و ارتش اش و هم در مقابل او صفی از این نیروهای اسلامی مزدور قرار گرفته اند که مستقیما یا از جانب جمهوری اسلامی و یا بوسیله عربستان سعودی و بعضا ترکیه و امارات حمایت میشوند. اکنون دامنه این جنگ به عراق کشیده شده و عراق به صحنه جنگ نیروهای اسلامی دو کمپ جمهوری اسلامی و عربستان سعودی تبدیل شده است. این جنگ نیز عینا مانند جنگ بین دو کمپ غرب و اسلام سیاسی، تماما ارتجاعی، وحشیانه، ضد انسانی و ضد تمدن و مدنیت است. این جنگ و کشمکش تنها با دخالت و پا بمیدان گذاشت توده مردم علیه همه این نیروهای سیاه میتواند به نفع مردم خاتمه پیدا کند. در این میان اعتراضات و مبارزات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی نقش کلیدی ایفا میکند. تضعیف و به عقب رانده شدن و نهایتا سرنگونی جمهوری اسلامی ضربه کاری ای به پیکر کل ارتجاع اسلامی و نیروهای رنگارنگش در منطقه وارد خواهد کرد.

**مشکل حکومت چیست: رابطه با غرب یا رابطه با مردم؟**

*"براي حال حاضر جامعه ايران بهترین نسخه ای که واقعاً می تواند ميانه روی را نهادينه کند، عقلانيت است".*

هاشمی رفسنجانی

و آنچه جمهوری اسلامی را بر سر این عقلانیت آورده تحریمهای اقتصادی است. اقتصاد دارد از هم می پاشد و راهی جز اعتدال و میانه روی در رابطه با غرب برایشان نمانده است. اما این راه هم جاده یکطرفه نیست. رفسنجانی میگوید "در طول سالها تبليغات فراواني كرديم كه خيلي ها از اسم آمريكا متنفّر هستند." و همین تبلیغات ضد آمریکائی است که کار را برای حکومتی ها مشکل کرده است. اما البته نه بخاطر تنفر مردم از امریکا. در جامعه ایران کسی جز اوباش ساندیس خور و یا مقاماتی که دلایلی میلیاردی برای "تنفر از آمریکا" دارند تحت تاثیر این نوع تبلیغات قرار نگرفته است. مساله بر سر هویت و تعریف ایدئولوژیک- استراتژیکی است که جمهوری اسلامی از بدو روی کار آمدنش از خود بدست داده است. مساله بر سر تجدید تعریف یک حکومت اسلامی است که با پتک مرگ بر آمریکا بر سر هر فریاد و اعتراض بر حق و انسانی کوبیده و خود را سر پا نگهداشته است. هر درجه تجدید نظر در این هویت ایدئولوژیک به معنای تعرض بیشتر و قدرتمند تر مردم برای جارو کردن کل بساط جمهوری اسلامی از ایران خواهد بود. حرکتی که از هم اکنون آغاز شده است. مساله لاینحل حکومت رابطه با غرب و آمریکا نیست، رابطه با توده مردم در خود ایران است.